

کتاب الادوار فی الموسیقی

(ترجمه فارسی از کتاب المومنین بن یوسف)

تألیف

صفی‌الدین عبدالمومن بن یوسف بن فاخر الارموی البغدادی

(متولد ۱۰۱۳ ه. ق.)

مترجم: شهناز

چاپ

آریو رستمی

الادوار فی الموسیقی

صفی‌الدین عبدالمومن بن یوسف بن فاخر الارموی البغدادی

به اهتمام آریو رستمی

مرکز نشر میراث مکتوب

صفی‌الدین عبدالمومن بن یوسف بن فاخر ارموی بگدادی

که زادگاه و تاریخ تولدش به روشنی مشخص نیست و عده‌ای

زادگاه وی را بغداد و او را ارموی نسبت دانسته و برخی احتمال ولادت او را در اورمیه خوانده‌اند و بعضی نیز وی را از مردم بلخ و یا خوی دانسته‌اند، بی‌تردید یکی از دانشمندان، موسیقی دانان بزرگ قرن هفتم به شمار می‌رود که در فن خوشنویسی نیز مهارت داشته است.

از آثار شناخته شده‌ی صفی‌الدین می‌توان به تالیفاتی چون «الرسالة الشریفة فی علم النسب و الاوزان الايقاعیه»، «ایقاع»، «فائده فی علم الموسیقی»، «کتاب الکافی من الشافی فی علوم العروض و القوافی»، که منسوب به او دانسته‌اند اشاره کرد.

کتاب «الادوار فی الموسیقی» که در مقدمه نیز به آن اشاره شد با این هدف که مفید بر علم و عمل موسیقی باشد نگاشته شده و چنین به نظر می‌رسد که نگارش آن به دستور خواجه نصیرالدین طوسی صورت گرفته باشد. کتاب در پانزده فصل به شیوه‌ای ترتیب یافته است تا بتواند مباحث مهم نظری و عملی زمان خود را پوشش دهد. این اثر که در طی زمان مورد توجه موسیقی‌دانان قرار گرفته است، درباره‌ی دستان‌های ایرانی، ابعاد ملایم و متنافر، ایقاعات (زمان‌های بین نت‌ها) و نقرات (وزن‌ها)، نعمات ثقیل و خفیف، فیزیک موسیقی، بحرهای عروضی شعر در موسیقی، ابعاد موسیقی، گام‌ها، تألیف نغمه‌ها، و ترتیب آهنگ روده‌های ایرانی، روش کوک روده‌ها و غیره سخن گفته است.

صفی‌الدین در فصول پانزده‌گانه به ترتیب به موضوع موسیقی نغمه، تقسیم وتر و شیوه‌ی به دست آوردن نعمات از اجزای آن، بعد یا فاصله، علل چهارگانه‌ی تنافر در دانگ‌ها چگونگی تشکیل ذی‌الاربع‌ها هفت‌گانه و ذی‌الخمیس‌های دوازده‌گانه می‌پردازد، و با توجه به اینکه اساس مبانی نظری خود را بر یک وتر (ابریشم) نهاده تا درک و تحلیل مطالب برای نوآموز آسان‌تر باشد در فصول هفتم و هشتم به تکمیل مباحث خود در این باب پرداخته و شرایط تسویه و استخراج ادوار را از دو و پنج وتر (مانند ساز عود) توضیح می‌دهد.

در فصل نهم مؤلف به بیان دوازده دور مشهور، یعنی عشاق، نوا، بوسلیک، راست، حسینی، حجازی، زنگوله، راهوی، اصفهان، زیرافکنند، بزرگ و عراق می‌پردازد و توضیح مختصری درباره‌ی آواز می‌دهد.

سپس به نعمات مشترک بین ادوار دوازده‌گانه پرداخته و آنگاه درباره‌ی طبقات ادوار مشهور سخن رانده است. وی در ادامه به شرح کوک غیر معمول، ایقاع و انواع ادوار ایقاعی، چگونگی تأثیر هر

دور از ادوار مشهور برگروهی از مردم

یا همه‌ی ایشان، تألیف الحان و

مباشرت عمل که هدف نهایی فن موسیقی است، می‌پردازد. از مترجم این اثر و زمان و مکان ترجمه و کتابت آن اطلاعی در دست نیست، شاید با توجه به ویژگی دوره‌های مختلف نگارش نسخ فارسی، زمان کتابت نسخه را قرن دهم و یازدهم هجری دانست. مترجم به متن اصلی وفادار بوده و جز فصل دهم از دخل و تصرف و شرح و تفسیر پرهیز کرده است.

صفی‌الدین عدد پنج وتری را از کامل‌ترین روده‌ها خوانده است و همان گونه که آمد دوبار اصلی موسیقی ایرانی را دوازده دایره برشمرده است. وی برخی ادوار را آواز خوانده است، به این شرح: گواشت، کردانیا، نوروز، سلمک، شهناز، مایه.

به گفته‌ی دکتر برکشلی در کتاب موسیقی فارابی، صفی‌الدین تلاش‌های فارابی و ابن سینا را در پرده‌بندی دنبال و با الهام از پرده‌بندی تنبور خراسانی، نت‌های نزدیک به هم را یکی کرده و دستگاه دولیما به علاوه‌ی یک کما را پیشنهاد نموده است. اندیشه‌ی او در واقع به نوعی تعدیل گام به شمار می‌رود و یکی از رویادهای علمی و هنری تاریخی موسیقی شرق است که مورد ستایش تمامی مستشرقان و موسیقی‌شناسان قرار گرفته است.

آنچه به تحقیق مشخص است بنای موسیقی علمی در ایران در قرن نهم و در زمان ابونصر فارابی (۸۷۲-۹۵۰ م) بر اساس نظریه‌های کلاسیک یونان در کتاب الموسیقی الکبیر پایه‌گذاری شده و بعدها این تحقیقات توسط ارموی (در قرن سیزدهم میلادی) تعقیب شده است و از این زمان به بعد است که تمامی نظریه‌دان‌ها پایه و اساس موسیقی را دوازده مقام اصلی تعیین کرده‌اند و تا هشت قرن قبل در این اصل، همگان اتفاق نظر داشته‌اند.

از دیگر کارهایی که به صفی‌الدین منسوب شده است، اختراع دو ساز به نام‌های «نزهه» و «معنی» است. مؤلف کنزالتحف درباره‌ی این دو ساز می‌آورد که «بعد از چنگ هیچ‌ساز خوشتر از نزهه نیست. صد و هشت وتر دارد و از سازهای جدید است که از مولانا صفی‌الدین عبدالمومن می‌باشد». و درباره معنی نیز می‌آورد.

«معنی سازی است که از مخترعات صفی‌الدین عبدالمومن رحمة الله علیه است و در وقتی که به اصفهان آمد بساخت و آن مرکب از رباب و قانون و نزهه است»

صفی‌الدین که در دربار خلیفه بغداد، ماهانه پنج هزار دینار و سپس در دربار هلاکو، ماهانه ده هزار دینار حقوق می‌گرفته است، در پایان زندگی‌اش درمانده‌ی بدهی ۳۰۰ دیناری خود شده بود و در همان حال نیز درگذشته است.